



گفت و گو با بن استیو به بهانه‌ی حضورش در فیلم پسر دلشکسته

مردمی که سخت می‌خندند!

«بنیامین ادوارد استیو» مشهور به «بن استیو» در نوامبر سال ۱۹۶۵ در نیویورک آمریکا متولد شد. پدر و مادرش - جری استیو و آنی ماری - هر دو از هنرمندان موفق سینمای آمریکا بوده‌اند و به این ترتیب بنیامین نیز خواناخواه به سمت سینما کشیده شد؛ پدر و مادر او نه تنها از علاقه‌مند شدنش جلوگیری نکردند، بلکه شرایطی را فراهم نمودند تا او و خواهرش - امیلی استیو - در میان سوپرستارهای هالیوودی رشد کرده و علایق سینمایی خود را پیگیری کنند. بنیامین فقط ۷ سال داشت که به همراه خواهرش نمایشنامه‌های «شکسپیر» را در اتاق نشیمن خانه‌شان اجرا می‌کرد! در همین زمان بود که بنیامین به دنیای پشت دوربین فیلمبرداری هم علاقه نشان داده و در نهایت در ۱۰ سالگی با دوربین سوپر هشتی که از پدرش هدیه گرفته بود شروع به ساختن فیلم کرد؛ فیلم‌هایی ساده که روایتگر داستان‌هایی دربارهی زندگی کودکان بودند! استیو کار بازیگری را از سال ۱۹۷۵ و با بازی در مجموعه‌ی تلویزیونی به نام «مفهوم سکوت» آغاز کرده و از آن زمان تا کنون در حدود ۸۰ فیلم به ایفای نقش پرداخته است. او فعالیت خود را در زمینه‌ی کارگردانی نیز از سال ۱۹۸۸ و با ساخت «داستان‌های الویس» شروع نمود. علاوه بر این‌ها استیو دارای سوابق بسیاری در فیلمنامه‌نویسی و تهیه‌کنندگی است. به بهانه‌ی اکران کمدی «پسر دلشکسته» ترجمه‌ی گفت‌وگویی با بن استیو انجام شده است.

فروش فیلم تازه‌تان (پسر دلشکسته) آن‌چنان که باید رضایت‌بخش نبود؛ علت اصلی این موضوع را چه می‌دانید؟

فکر نمی‌کنم فروش این فیلم آن‌قدرها هم بد بوده باشد! اما کمپانی توزیع‌کننده‌ی آن یعنی دریم ورکز اصلاً از فروش این کمدی راضی نبوده است؟!

بله، من هم صحبت‌های سران دریم ورکز را خوانده‌ام ولی در این میان آن‌چه که مورد توجه قرار نگرفته هم‌زمانی اکران این فیلم با چند کمدی دیگر و از جمله کمدی «تقشهی بازی» است! یعنی می‌خواهید بگویید یک فیلم حتماً باید بدون رقیب باشد تا خوب بفروشد؟

خیر، من چنین چیزی نگفتم؛ «پسر دلشکسته» در هفته‌ی اول اکرانش در صدر فیلم‌های پرفروش قرار گرفت اما از هفته‌ی دوم به بعد به تدریج شاهد نزول فروش فیلم بودیم و دلیل اصلی این مسئله به واکنش منفی منتقدان برمی‌گردد، اگر نقدهای منفی نبود پسر دلشکسته می‌توانست موفقیت خود را در فروش ادامه دهد.

در نتیجه این منتقدان هالیوود بودند که سبب عدم استقبال از فیلم تازه‌ی شما شدند؟!

شاید یکی از دلایل این امر همین موضوع باشد. به هر حال تماشاگران در پیش‌نمایش‌های فیلم واکنش‌هایی مثبت داشتند، اما نقدهایی که بر پسر دلشکسته نوشته شد منفی‌تر از چیزی بود که انتظار می‌رفت و در نهایت همین نقدها بودند که به فیلم لطمه زدند.

ولی خیلی از مخاطبانی که فیلم شما را دیده بودند هم این کار را ضعیف‌تر از کارهای قبلی‌تان می‌دانستند!

منظورتان کدام کارهاست؟

منظورم کمدی موفق «چیزی درباره‌ی مری» است که در آن هم با «بابی و بیتر فارلی» همکاری داشتید.

ببینید چیزی درباره‌ی مری در زمان خود فیلم یکتایی بود و توانست فروش خوبی هم داشته باشد اما نمی‌توانیم پسر دلشکسته را با آن مقایسه کنیم، چون این دو فیلم در دو بازه‌ی زمانی و با شرایط اجتماعی متفاوت ساخته شدند و در طول این سال‌ها ذائقه‌ی مخاطبان سینما تغییر بسیاری کرده است.

آیا این تغییر، گونه‌های سینمایی را هم در بر گرفته است؟

طی ده سال اخیر تمام ژانرهای سینمایی دستخوش تغییر شده و حتی بعضی از آن‌ها دچار دگرگونی ماهوی شدند؛ در این میان خواناخواه گونه‌ی کمدی هم دچار تحولات بسیار زیادی شده است، چرا که خندانان آدم‌ها به راحتی گذشته نیستند! به نکته‌ی جالبی اشاره کردید!

بله، اگر شما به مجموعه‌های کمدی که از شبکه‌های مختلف تلویزیونی پخش می‌شوند نگاهی بیندازید متوجه خواهید شد که بازیگران و البته

پیش از آن‌ها نویسندگان نسبت به دوران گذشته بسیار متفاوت‌تر عمل می‌کنند.

این تفاوت‌ها را چه‌طور می‌بینید؟

تفاوت‌های مورد نظر به دلیل تغییر دوره‌ی زمانی ایجاد شدند و به همین خاطر نمی‌شود درباره‌ی آن‌ها با یقین صحبت کرد چون به همان سرعت که به وجود آمدند ممکن است محو شوند، اما در مجموع می‌توان دو نگرش را در کمدی‌سازی سال‌های اخیر مشاهده کرد. و احتمالاً یکی از این نگرش‌ها ساختن کمدی‌های خنده‌دار و بی‌عمق است!

همین‌طور است. این روزها ما با دو جور نویسنده روبه‌رویم؛ دسته‌ی اول آن‌هایی که سعی می‌کنند بدون استفاده از لودگی و ساده‌انگاری مخاطب به نگارش فیلمنامه دست بزنند و هم‌چنان بر این عقیده‌ی خود پافشاری می‌کنند و دسته‌ی دوم که در حال حاضر خیلی زیاد شدند، آن‌هایی هستند که از هر روشی بهره می‌گیرند تا مخاطبان را بخندانند. این گروه برای رسیدن به هدفشان همه کاری می‌کنند از اصطلاحات زشت استفاده کرده، شخصیت‌ها را وا‌دار به انجام حرکات جلف می‌کنند و



در نهایت به تمسخر ارزش‌ها دست می‌زنند ...

تمسخری که سبب‌ساز مشکلات سیاسی - اجتماعی می‌شود!

به هر حال همه‌ی ما برای خودمان اعتقادات خاصی داریم و هیچ‌کس حق ندارد با اعتقادات به‌حق ما شوخی کند، ولی متأسفانه گروهی از فیلمسازان از این روش نادرست استفاده می‌کنند تا فروش فیلمشان را بالاتر ببرند! فکر می‌کنید چنین بی‌اخلاقی‌هایی از کجا نشأت می‌گیرد؟

ببینید، در سال‌های اخیر دنبال کردن حرفه‌های مختلف هنری به سختی سسی - چهل سال قبل نیست، یعنی مثلاً ممکن است کسی هیچ سواد سینمایی نداشته باشد اما بتواند با صرف هزینه‌ی متوسط وارد عرصه‌ی فیلمسازی شده و احیاناً یکی - دو فیلم را هم کارگردانی کند؛ مشکل اصلی سینمای مدرن با همین آدم‌هاست، یعنی کسانی که بدون پیشینه به سینما رو می‌آورند!

آیا در حیطه‌ی سینمای امروز آمریکا هم از این نوع افراد یافت می‌شوند؟ نه تنها در هالیوود که در کشورهای اروپایی هم چنین افرادی حضور دارند، می‌دانید چرا؟ چون سینمای خصوصی برای رشد خود نیازمند تزریق سرمایه‌ی اشخاص حقیقی است و همین مسئله کانالی می‌شود برای ورود بسیاری از علاقه‌مندان بی‌سواد اما پولدار به این حیطه!

فکر نمی‌کنید در حیطه‌ی کم‌دی برای این عده فضای بیش‌تری جهت کار وجود داشته باشد؟

تا حدود زیادی با شما موافقم؛ چرا که هنوز هم افراد بسیاری هستند که طنز را و سرگرم کردن مخاطبان را اصلی‌ترین هدف ساخت فیلم کم‌دی می‌دانند! شاید به همین دلیل سینمای جدید نتوانسته کم‌دین‌هایی نظیر «چارلی چاپلین» را پرورش دهد!

البته در سینمای کم‌دی این روزهای هالیوود هنرمندان سرشناسی چون «جیم کری» توانستند در قالب یک کم‌دین موفق و اثرگذار ظاهر شوند، ولی در مجموع هالیوود نتوانسته جانشینان شایسته‌ی برای بزرگانی چون چاپلین پرورش دهد!

با توجه به تقسیم‌بندی که داشتید عدم موفقیت پسر دلشکسته را چه‌طور ارزیابی می‌کنید؟

پسر دلشکسته نه یک فیلم کاملاً متعالی است و نه یک فیلم هجو گونه! یعنی فیلمنامه طوری تنظیم شده که فضایی میانی خلق شود اما ...

اما انگار این ترکیب دوگانه به مذاق منتقدان خوش نیامد؟ متأسفانه همین‌طور است؛ ولی یک چیز را با قطعیت می‌گویم آن هم این که این فیلم مطمئناً از فیلم‌های ماندگار سینما خواهد بود. یعنی مثلاً ده سال دیگر یا به عبارتی در سال ۲۰۱۸ این فیلم در آرشیو شخصی خیلی از افراد قرار خواهد گرفت؟

فکر می‌کنم این اتفاق رخ دهد، چرا که بسیاری از گفتگوهای فیلم هم با نوعی نگرش نسبت به آینده نوشته شده‌اند.

پیتر و بابی فارلی چه‌قدر در نگارش فیلمنامه نقش داشتند؟ آن‌ها بیش‌تر بر کار همکاران دیگرشان نظارت داشتند تا این که بخواهند به‌طور مستقیم وارد عرصه‌ی نویسندگی شوند.

پسر دلشکسته اقتباسی از فیلمی به همین نام محصول سال ۱۹۷۲ است؟!

بله، فیلم مورد نظر توسط «الین می» کارگردانی شده بود که در زمان خود حواشی بسیاری را رقم زد، اما در نسخه‌ی جدید سعی شده از خلاءهای داستانی که در نمونه‌ی قبلی به آن‌ها پرداخته نشده بود در جهت خلق یک کار متفاوت و ماندگار استفاده شود. ■

پسر دلشکسته (The Heartbreak Kid)

کارگردان: بابی و پیتر فارلی
فیلمنامه: اسکات آرمسترانگ، لزی دیکسون، بابی و پیتر فارلی و کوین یارنت، بر اساس داستان کوتاه تغییر نقشه نوشته‌ی بروس جی فرایمن و نمایشنامه‌ی به همین نام از نیل سایمون
موسیقی: بیل و برندان رایان
مدیر فیلمبرداری: ماتیو اف. لیوتی
تدوین: آلن تومکارتن جونور و سام سیگل
طراح صحنه: سیدنی جی. بار تلولومبو جونور و ارن جی وتر
بازیگران: بن استیلر (ادی کاترو)، میشله موناهان (میراندا)، جری استیلر (داک)، مالین اکومن (لیلا)، راب کوردری (مک)، کارلوس منسیا (عمو تیتو)، دنی مک براید (مارتین) و اسکات ویلسون (بوو)
مدت فیلم: ۱۱۵ دقیقه - محصول ۲۰۰۷ آمریکا

داستان فیلم

«ادی کاترو» ۴۰ ساله فروشنده‌ی لوازم ورزشی بوده و مجرد است؛ اما بعد از شرکت در مراسم عروسی یکی از دوستان خود تصمیم به ازدواج می‌گیرد. ادی پس از آشنایی با «لیلا» به خاطر فشار پدر و کوستانش در مدت زمانی کوتاه از وی تقاضای ازدواج می‌کند چرا که می‌بندارد این آخرین شانس او برای یافتن عشق و تشکیل خانواده است، ولی در سفر ماه عسلشان به مکزیک متوجه می‌شود بزرگ‌ترین اشتباه زندگی‌اش را انجام داده چون لیلا فردی بی‌کار و بله‌کار و همسری با رفتارهای غیر قابل پیش‌بینی است؛ یعنی نه فقط زن رویاهایش نیست، بلکه تبدیل به کابوس زندگی او نیز شده است. در همین زمان ادی با دختر دیگری به نام «میراندا» آشنا می‌شود و این بار باور دارد که زن زندگی‌اش را یافته است، اما برای به دست آوردن دل میراندا لازم است ازدواج خود با لیلا را از او پنهان کند و از طرف دیگر وی را طلاق دهد ...